



رجز خوانی عدم اختیارت و اصل ۱۲۱

سیدعبدالمجید اشکوری

سوگند به خداوند در پیشگاه قرآن

از آن جایی که خداوند در اندیشه‌ی انسان مسلمان، بزرگ‌ترین و عزیزترین موجودات و قرآن، شریف‌ترین و مقدس‌ترین کتاب است، قسم‌خوردن به خداوند در پیشگاه قرآن، افزون بر این که تعهد و مسؤولیت سنگینی را بر دوش فرد می‌گذارد، نشانه‌ی ارزش والای موضوعاتی است که به آن‌ها سوگند یاد کرده و تکلیفی شرعی، اخلاقی و قانونی را متوجه فرد می‌کند.

انواع قسم

قسم سه گونه است:

(الف) اخباری، که گذشته یا آینده‌ی قطعی را خبر می‌دهد و چون ماهیت خبری دارد تکلیف‌آور نیست؛ البته اگر دروغ باشد گناه است.
(ب) تأکیدی، که می‌خواهد کاری حتماً انجام گیرد؛ این درخواست تکلیف‌آور نیست.

از جمله موضوعاتی که اصلاح‌طلبان در ایام انتخابات مطرح می‌کنند عدم‌اختیار رئیس‌جمهور برای انجام مسؤولیت‌های وی است. به رغم تلاش‌های بسیار جدی برای به‌دست گرفتن کرسی ریاست جمهوری، عنوان می‌کنند که رئیس‌جمهور نقشی در حد یک تدارک‌چی دارد. این سخن پایه و اساسی ندارد و فقط سرپوشی برای توجیه ناکارآمدی‌های تئوریک و عملی این جریان است. این جا نکته‌ی جالبی است که هر رئیس‌جمهوری به هنگام موفقیت در کسب کرسی ریاست جمهوری در پیشگاه ملت برای انجام همان مسؤولیت‌ها قسم یاد کرده و می‌کند! از آن جالب‌تر این که اقدامات بسیاری بر خلاف آن چه برای آن قسم یاد کرده انجام داده و می‌دهند. و حال آن‌که در شرع مقدس برای سوگند شریاطی؛ مانند مخالفت نداشتن با شرع، قدرت توانایی بر انجام قسم جاری شده بر زبان و... بیان شده است. به همین دلیل بر آن شدیم تا در این نوشتار به صورت بسیار مختصر به موضوع سوگند ریاست جمهوری بپردازیم.



ج) در برابر قرآن کریم، با یاد و نام خدا که رکن قسم است سوگند یاد می‌شود. این گونه قسم در شمار عهد و نذر است؛ از این رو تخلف از آن، گناه و قابل مواخذه است و پرداخت کفاره را واجب می‌کند. پیداست که سوگند رئیس‌جمهور از نوع سوم و در زمره‌ی عهد و نذر به شمار می‌آید که تخلف از آن، گناه و قابل مواخذه است و کفاره دارد. براساس اصول هشتاد و نهم و بند ده یک‌صد و دهم، بدیهی است سوگند رئیس‌جمهور در حضور عالی‌ترین مقام قضایی و شنیدن آن، در صورت تخلف از سوگندی که یاد می‌کند، محاکمه و حکم دیوان عالی به عدم کفایت او را در بر خواهد داشت. (۵)

سوگند رئیس‌جمهور

رئیس‌جمهور به دنبال برگزیده شدن از سوی مردم، براساس اصل ۱۲۱ قانون اساسی در مراسم تحلیفی که در مجلس شورای اسلامی با حضور رئیس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضا می‌کند. «محتوای اصل ۱۲۱، مراسمی را برای تحلیف رئیس‌جمهور تعیین کرده که باید این سوگند در حضور ملت که به وی رای داده‌اند، یاد شود و مجلس شورای اسلامی که نمایندگان همه‌ی کشور در آن حضور دارند مناسب‌ترین محل برای این مراسم است و می‌توان گفت در حضور ملت است. عالی‌ترین مقام قضایی و اعضای شورای نگهبان در حقیقت به عنوان شهود در این مراسم که رئیس‌جمهور سوگندنامه را قرائت و امضا می‌کند حضور خواهند داشت.» (۶)

متن سوگندنامه

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. «من به عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه‌ی استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم. در حراست از مرزها و استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور از هیچ اقدامی دریغ نورزم و با استعانت از خداوند و پیروی از پیامبر اسلام و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام قدرتی را که ملت به عنوان امانتی مقدس به من سپرده است؛ همچون امینی پارسا و فداکار نگاهدار باشم و آن را به منتخب ملت پس از خود بسپارم.» (۷)

موارد تعهد

الف) پاسداری از مذهب رسمی، نظام اسلامی و قانون اساسی در نظام سیاسی مبتنی بر حضور مذهب در همه شئون، قانون‌گذاری باید در چارچوب اصول و موازین مذهبی باشد و شعایر مذهبی نیز رعایت شود. در این نظام، دین و مذهب، پایه و علت وجودی تشکیل حکومت است که آن را اصطلاحاً حکومت الهی می‌گویند. (۸)

در ایران، دین اسلام و مذهب شیعه که یکی از پایه‌های اساسی

وحدت ملی به شمار می‌رود (۹)، رابطه‌ای تنگاتنگ با دولت دارد و الگویی کامل را برای همه‌ی تشکیلات، قوای عالییه و اداره‌ی امور کشور از صدر تا ذیل ارائه می‌کند.

بنابر این، جمهوری اسلامی ایران، نظامی است که بر پایه‌ی ایمان به خدای یکتا، اختصاص حاکمیت و تشریح به او و براساس وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین شکل گرفته است (۱۰) و دولت جمهوری اسلامی ایران که در راس آن رئیس‌جمهور قرار دارد، باید همه‌ی امکانات خود را برای پاسداری از مذهب رسمی، نظام اسلامی و قانون اساسی که میثاق ملی و منشور اصلی این نظام است، به کار گیرد.

خدمت به مردم

در بینش اسلام و حاکمیت اسلامی، صاحبان قدرت و مدیران، مسؤولیتی سنگین را عهده‌دار می‌شوند که پذیرش این مهم باید خدمت‌رسانی گسترده‌ای را به همراه داشته باشد؛ به عبارتی آن که بر مسند قدرت می‌نشینند، باید بدانند که او خادم است نه حاکم. پس رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند که مدیریت اجرایی کشور را برای خدمت به مردم برعهده می‌گیرد و متعهد می‌شود که حکومت را وسیله‌ای برای خدمت به مردم بداند، نه این که خدمت وسیله‌ی حاکمیت وی باشد. «قبل از این که ریاست‌مدار باشد، خدمت‌گزار است و در این منصب با تیغ تیز مدیریت در جهت خدمت‌گزاری، اقامه‌ی حق و عدل و دفع ظلم گام بردارد.» (۱۱) و «کوشش بر اصلاح امور مردم را از کمال سعادت بداند.» (۱۲)

اعتلای کشور

از نظر نمادین، انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب از قرن ۱۶ به بعد شمرده می‌شود، نکته‌ی مهم این جا است که اسلام هدایت‌کننده‌ی این انقلاب بوده است و هیچ یک از ایسم‌های غربی - ناسیونالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم و سوسیالیسم - در آن نقشی نداشته‌اند (۱۳)؛ از این رو رئیس‌جمهور باید با همه‌ی توان برای عزت و سربلندی این نظام بکوشد و سرافرازی هرچه بیش‌تر اسلام در سراسر جهان را موجب شود.

ترویج دین و اخلاق

براساس بررسی‌های تاریخی، یکی از مهم‌ترین عوامل توفیق و یا ناکامی جوامع بشری عامل اخلاقی بوده است. ترویج اخلاق پسندیده، موجب تحکیم روابط اجتماعی می‌شود و ملتی که در چارچوب محاسن اخلاقی گام بردارد، قله‌های رستگاری و پیروزی را فتح خواهد کرد. رئیس‌جمهور باید همه‌ی همت و تلاش خود را در جهت ترویج دین و اخلاق - به عنوان عنصر حیات و مایه‌ی سعادت جامعه - به کار بندد.

پشتیبانی از حق و گسترش عدالت

حق‌مداری و عدالت‌محوری افزون بر این که وظیفه‌ای بر دوش حاکمان اسلامی است، عامل مؤثری جهت نفوذ و اثربخشی در

فردی و حقوق اجتماعی و سیاسی برای مردم قائل شده، در اصل نهم، آزادی را یکی از محورهای اصلی نظام سیاسی کشور قرار داده که به صورت‌های گوناگونی متظاهر می‌شود. (۱۶) در اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی، ضمن بیان حقوق ملت در جلوه‌های گوناگون، بر آزادی افراد تا جایی که به حقوق و آزادی دیگران و ارزش‌های جامعه ضرری نرساند، تاکید شده است.

پاسداری از حرمت اشخاص

پاسداری از حرمت انسان‌ها و برخورد با خدشه‌دارکنندگان این حریم، رسالت اسلام و نظام اسلامی است. هتک حرمت‌ها، امنیت روانی جامعه را زایل کرده، بی‌اعتمادی را دامن زده، نفاق، دورویی، تفرقه، گروه‌گرایی، تعارضات و تزاوجات را سبب شده و در نهایت از هم پاشیده شدن شیرازه‌ی نظام و سقوط ارزش‌ها و نظام اسلامی را در پی خواهد داشت. (۱۷)

در سوره‌ی مطففین، شکستن حرمت و ارزش انسان‌ها، عاملی اساسی در جهت تحقق ستم اقتصادی معرفی شده است: «وَبِئْسَ الْأَعْمَالُ الْبُذْرُ الَّذِي يَبْدُو لَهُ الْمُنْفَعُ وَإِذَا جَاءَ ثَمَرَهُ عَرِمَ وَإِذَا نُفِثَ بِنْفِثِهِ يَنْفِثُ الْبُرْءُ وَإِذَا كَانَهُ لَكُمْ عَدُوًّا فَكَلِمَةً حَسْرَةً تُمْسِكُ بِهَا عُنُقَكُمْ وَإِذَا كَانَهُ لَكُمْ صَدِيقًا حَسْرَةً تَمْسِكُ بِهَا عُنُقَكُمْ» (سوره مطففین، آیه ۱۷)

حقوق ملت

مجری قانون باید در راه حفظ، دوام، استحکام و گسترش حق زندگی و رشد همه‌جانبه‌ی فضایل انسانی، استقرار مساوات، آزادی و جلوگیری از تبلیغات گوناگون، به عنوان اساسی‌ترین حقوق ملت بکوشد.

پاسداری از مرزها و استقلال کشور

در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یک دیگر جدایی ناپذیرند و حفظ آن‌ها وظیفه‌ی دولت و احاد ملت است. هیچ فرد، گروه و یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند. (۱۸)

یاری جستن از خداوند و پیروی از پیامبر و ائمه‌ی اطهار

رئیس جمهور با توجه به وظایف بسیار سنگین و طاقت‌فرسایی که بر دوش گرفته است، پیمان

دیگران و استحکام حکومت به شمار می‌آید، چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که عادل باشد، حکمش نافذ است» و عمل به عدالت موجب پایداری حکومت می‌شود.

رئیس‌جمهور متعهد می‌شود در زمان تصدی قدرت، به کسی ستم روا ندارد و شاهد شیرین عدالت را به ملت بچشاند و با این عمل موجبات استحکام و نفوذ هر چه بیش‌تر نظام اسلامی را فراهم آورد.

پرهیز از خودکامگی

خودکامگی به معنای استبداد و انحصارطلبی است و در نقطه‌ی مقابل «عدالت» قرار دارد. مبارزه با ستم و استبداد، بخش اصلی ایدئولوژی اسلامی را تشکیل می‌دهد و انقلاب اسلامی ایران در درجه‌ی نخست زاینده‌ی سلسله مبارزه‌های مردمی علیه نابرابری، فقر اخلاقی و آثار ناگوار ناشی از آن؛ یعنی ستم و استبداد است؛ از این رو نفی آن در دستور کلی نظام جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. در همین راستا اصل دوم قانون اساسی بنا را بر «نفی هر گونه ستم‌گری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» قرار داده تا بدین وسیله، مقدمات دستیابی به جامعه‌ی نمونه‌ی اسلامی را که تامین‌کننده‌ی قسط و عدل، استقلال و همبستگی ملی خواهد بود، فراهم کند. (۱۴) بدیهی است که پرهیز از خودکامگی، یکی از مهم‌ترین تعهدات رئیس‌جمهور شمرده می‌شود.

پشتیبانی از آزادی

انسان موجودی است عاقل و متفکر و عملکردش بر اندیشه و تعقل استوار است؛ پس ضرورت حیات اجتماعی، لزوم تعامل فکر را در حیات جمعی مطرح می‌کند و از سویی، شکل‌گیری حیات جمعی و ضرورت سلامت و بقای آن در زمینه‌ی نسیان، غفلت و خطاپذیری اندیشه و عملکرد انسان، ضرورت وجود ابزار نظارت، شبهات و نقدها را مطرح می‌کند.

نبود فضای تعامل فکری و ابزار نظارت و شبهات موجب شکل‌گیری عقده‌های روانی و سپس دودستگی و تعارض‌های اجتماعی می‌شود که سرانجام، نظام را ساقط خواهد کرد. (۱۵) اثر دیگر نبود آزادی، توقف رشد و خلاقیت انسان‌ها و ضایع شدن استعدادها خواهد بود. البته حدود این آزادی را باید عقل، شرع و قانون مشخص کند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصول متعدد، جایگاه ویژه‌ای در زمینه‌ی آزادی‌های



«من به عنوان رئیس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم و همه‌ی استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسؤولیت‌هایی که بر عهده گرفته‌ام به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم.»



می‌بندد که با تکیه بر نیروی لایزال الهی، توکل بر قادر متعال و پرهیز از غرور و توجه نکردن به قدرت‌های بیگانه این مسیر دشوار را پیماید و در این جهت از برترین الگوهای انسانی تاریخ بشریت؛ یعنی پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم مدد گیرد تا به سر منزل مقصود رهنمون شود.

مدیریت، امانت است

مسند مدیریت از دیدگاه اسلامی امانتی است که به مدیر سپرده می‌شود و او باید از این مقام که به صورت امانت در دست دارد، به شدت مراقبت کند و امانت را طبق معیارهای آن امانت‌دار باشد. مدیریت از دیدگاه اسلامی امانت است و مدیر، امانت‌دار خدا و مردم است. (۱۹)

مولای متقیان علی علیه السلام به یکی از فرمانداران خود می‌نویسد: «مدیریت و حکمرانی برای تو طعمه نیست؛ ولی آن مسؤلیت در گردن تو، امانت است و کسی که از تو بالاتر است از تو خواسته که نگهبان آن باشی و وظیفه نداری که در کار مردم به میل و خواسته‌ی شخصی خود عمل کنی و یا بدون ملاک معتبر و فرمان قانونی، به کار بزرگی دست بزنی. اموالی که در دست تو است از آن خداوند است و تو خزانه‌داری هستی تا آن را به من بسپاری.» (۲۰) بر همین اساس رئیس‌جمهور ملزم می‌شود تا این قدرت و مسؤلیت را امانتی از سوی ملت بداند و چون امانت داری امین و پارسا آن را به برگزیده‌ی پس از خود بسپارد.

نتیجه

رئیس‌جمهور بر اساس سوگندی که یاد می‌کند می‌بایست به تعهدات فوق عمل کند. برخی از دولت‌ها نه تنها به آن‌ها عمل نکرده و یا بسیار ضعیف عمل کرده‌اند، آن‌ها حتی این تعهدات را از اساس قبول نداشته‌اند. حال این دولت‌ها باید پاسخگوی این مسئله باشند که اگر این تعهدات را قبول نداشته‌اند و یا بر اساس ادعای کذایی، اختیارات لازم را نداشته‌اند، پس چرا برای انجام آن چنین قسم غلیظ و شدیدی آن‌هم در مقابل همه‌ی ملت یاد کرده‌اند؟ به نظر می‌رسد، این نوع دولت‌ها بیش از بهانه‌جویی برای انجام ندادن تعهدات خود و رجزخوانی‌های عدم اختیارات لازم، می‌بایست بیشتر پاسخگوی رفتارهایی باشند که بر خلاف سوگندنامه‌ی خود داشته‌اند.



آن که بر مسند قدرت می‌نشیند، باید بداند که او خادم است نه حاکم. پس رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند که مدیریت اجرایی کشور را برای خدمت به مردم برعهده می‌گیرد و متعهد می‌شود که حکومت را وسیله‌ای برای خدمت به مردم بداند، نه این که خدمت وسیله‌ی حاکمیت وی باشد.

□ رئیس‌جمهور متعهد می‌شود در زمان تصدی قدرت، به کسی ستم روا ندارد و شاهد شیرین عدالت را به ملت بچشاند و با این عمل موجبات استحکام و نفوذ هر چه بیش‌تر نظام اسلامی را فراهم آورد.

پی‌نوشت‌ها

۱. ابوالقاسم رزاقی، سوگندهای قرآنی، ص ۹.
۲. ر.ک: ابوالحسن فیض، آیین پزشکان، ص ۲۳، سوگندنامه بقرات.
۳. فرهنگ عقاید و قوانین اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۷، همچنین ر. ک: سوگندهای قرآنی، ص ۱۲.
۴. تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۷.
۵. محمد یزدی، قانون اساسی برای همه، ص ۵۹۴.
۶. همان، ص ۵۹۳.
۷. قانون اساسی، اصل ۱۲۱.
۸. سیدمحمد هاشمی، حقوق اساسی، ص ۱۳۷.
۹. اشاره به اصل دوازدهم قانون اساسی که مقرر می‌دارد دین رسمی ایران اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است و این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است.
۱۰. برداشتی از اصل دوم قانون اساسی.
۱۱. ر. ک: سیدرضا تقوی، نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص ۴۱.
۱۲. قال علی علیه‌السلام: من کمال السعاده السعی فی صلاح (اصلاح) الجمهور، غررالحکم، ج ۲، ص ۲۵۴.
۱۳. گزیده و تلخیص از عصر امام خمینی، ص ۴۰.
۱۴. حقوق اساسی، ص ۹۶.
۱۵. ولی‌الله نقی‌پورفر، الگوهای مدیریت اسلامی، ص ۱۳۶.
۱۶. حقوق اساسی، ص ۱۷۲.
۱۷. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، ص ۱۳۶.
۱۸. اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۹. نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص ۳۷.
۲۰. نهج البلاغه، نامه ۵.
۲۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
۲۲. همان، ج ۱۶، ص ۸۸.